

*Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,*  
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)  
Monthly Journal, Vol. 22, No. 2, Spring 2022, 167-192  
Doi: 10.30465/CRTLS.2022.39379.2458

## **A Structural Critique and Analysis of "The Sadegha-ye- Tabrizi's Monshaat" and the Study of the Insight and Method of the Scribe (11<sup>th</sup> century AH)**

**Reza Shah Maleki<sup>\*</sup>, Houshang Khosrow Beigi<sup>\*\*</sup>**

**Jamshid Norouzi<sup>\*\*\*</sup>**

### **Abstract**

This research has made an effort to criticize the collection of Monshaat related to the 10<sup>th</sup> century AH written by Mirza Mohammad Sadegh Nazem Tabrizi (Sadegha-ye-Tabrizi) and to scrutinize the writer's features, shortcomings, the importance of the manuscript, insight and method in a meaningful framework. The theme of the above version includes such concepts as royal decrees, court documents, an announcement of a victory, Monshaat and friendly correspondences from the Seljuk period to the early Safavid period that has not still been criticized and published and can in turn help to understand missing links in the political and social history of Iran and some of its neighbors. Relying on the manuscript of Tabrizi's Monshaat and an analytical approach along with qualitative content analysis, this study indicates that the writer was influenced by the political atmosphere of the Safavid period in compiling and

\* PhD Student in History of Iran in the Islamic period, department of Payame Noor University, (pnu), p.o.box 19395-4697, Tehran, Iran, (Corresponding Author) Shahmalaki@gmail.com

\*\* Associate Professor, Department of History, Payame Noor University, (pnu), p.o.box 19395-4697, Tehran, Iran, khosrobeigi.hoshang@gmail.com

\*\*\* Associate Professor, Department of History, Faculty of Literature, Al-Zahra University, Tehran, Iran, J.noroozi@alzahra.ac.ir

Date received: 12/12/2021, Date of acceptance: 05/04/2022



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

arranging the Monshaat. Since the Safavid's ideal is explained to establish a national state on the basis of official religion and political boundaries, the writer has written documents that are linked to the geography which the Safavids sought to achieve in drawing their territorial model.

**Keywords:** Monshaat, Structural Criticism, Manuscript, Historical Evidences, Safavid's Ideal.



## نقد و تحلیل ساختاری نسخه خطی «منشآت صادقای تبریزی» و بررسی بینش و روش کاتب (قرن ۱۱ ق)

رضا شاه ملکی\*

هوشنگ خسرو بیگی\*\*، جمشید نوروزی\*\*\*

### چکیده

این پژوهش، کوشش خویش را بر آن گمارده تا از طریق دانش تصحیح و نقد، این مجموعه منشآت مربوط به قرن دهم ق به کتابت: میرزا محمدصادق ناظم تبریزی (صادقای تبریزی) را مورد بررسی قرار دهد و ویژگی‌ها، کاستی‌ها، اهمیت اسناد نسخه و بینش و روش کاتب را در چهارچوب الگویی معنادار نقد کند. درون‌مایه‌ی نسخه فوق شامل مضامینی چون فرامین پادشاهان، اسناد دیوانی، فتح‌نامه‌ها، و منشآت و اخوانیات از روزگار سلجوقی تا اوایل صفوی است که تاکنون مورد نقد و انتشار قرار نگرفته‌اند و می‌تواند در جای خود به فهم حلقه‌های مفقودی از تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران و برخی همسایگان یاری رساند. این بررسی با اتکا بر نسخه خطی این اثر و با رویکرد تحلیلی،

\* دانشجوی دکتری، تاریخ ایران دوره اسلامی، گروه تاریخ، دانشگاه پیام نور، ص.پ. ۱۹۳۹۵-۴۶۹۷،

تهران، ایران (نویسنده مسئول)، Shahmalaki@gmail.com

\*\* دانشیار، گروه تاریخ، دانشگاه پیام نور، ص.پ. ۱۹۳۹۵-۴۶۹۷، تهران، ایران،

khosrobeigi.hooshang@gmail.com

\*\*\* دانشیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران،

J.noroozi@alzahra.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۲۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۱۶



همراه با روش تحلیل محتوای کیفی انجام شده است و نشان می‌دهد که نویسنده در تدوین و چینش منبثات، تحت تاثیر فضای سیاسی دوره صفویه قرار داشته است. از آنجا که آرمان صفویه ایجاد دولتی ملی بر پایه مذهب رسمی و مرزهای سیاسی تبیین می‌شود، کاتب نسخه به کتابت اسنادی دست یازیده که در پیوند با جغرافیایی است که صفویان در ترسیم الگوی سرزمینی خود به دنبال تحقق آن بودند.

**کلیدواژه‌ها:** منشآت، نقد ساختاری، نسخه خطی، اسناد تاریخی، آرمان صفویه.

## ۱. مقدمه

### ۱.۱ طرح مسئله

بررسی انتقادی نسخ خطی ارزشمند در حوزه تاریخ، به بازنویسی تاریخ ایران و روشن کردن خط سیرهای متعدد و مغفول مانده‌ی جریان تاریخ در ایران، یاری بسیار خواهد رساند. در این میان بررسی انتقادی نسخ به‌جای مانده از دوران سلجوقی تا صفویان از اهمیتی ویژه برخوردار است؛ چراکه این بازه زمانی از منظر هویت و اجتماع ایرانی، از دوره‌های با اهمیت تاریخ ایران به شمار می‌رود و از سویی نهاد دیوان که خود با مؤلفه‌هایی هم‌چو خرد، ارزش‌های اخلاقی، دین‌داری، دادگری و... در پیوند بوده و آن‌ها را در طول تاریخ بنا بر شرایط حاکم سیاسی - اجتماعی به کار گرفته است (جهانشاهی افشار و رحیمی صادق ۱۳۹۳: ۱۴)، از مؤلفه‌های تداوم هویت ایرانی شناخته می‌شود. به‌طور مشخص و در دوره‌ی صفویه، نسخ بسیاری برای مجموعه‌های شخصی مقامات و نیز کتاب‌خانه‌های سلطنتی به رشته‌ی تحریر درآمد. در ابتدای قرن یازدهم ق و در دوره‌ی حکومت شاه‌عباس اول، نسخه‌پردازی رونقی دوباره یافت و در کتابخانه‌های این دوره، کاتبان با رویکرد گردآوری، بررسی و کتابت اسناد تاریخی روزگار پیشین بنا بر نیات متفاوت، جایگاهی برجسته یافتند. در تأکید بر همین ادعا، توجه به این موضوع که افراد بسیاری به‌عنوان صحاف، نسخه‌پرداز، بسمه‌چی، مذهب و... زیر نظر کتابدارباشی دربار به کار در این زمینه مشغول بودند راهگشا است. فریبا افکاری (۱۳۸۶: ۹)، در مقاله‌ای موجز به‌خوبی این موارد را از خلال پرداختن به نسخه‌ای خطی از مؤلفی ناشناخته تحت‌عنوان «دانشنامه فارسی» نمایانده است.

از آنجا که در حوزه تحلیل و بررسی منشآت، دیوان و کاتبان عصر صفوی هم‌چنان با اثری جامع و همه‌سویه روبه‌رو نیستیم که به دست مؤلفی ایرانی نگاشته شده باشد (صفت‌گل: ۱۳۸۶: ۵)، لذا نقد و بررسی و تحلیل ساختاری منشآت صادق‌ای تبریزی کمکی به این دست پژوهش‌ها تواند بود.

بررسی نظم ساختاری و نگارشی نسخه، فهم الگوی ذهنی، انگیزه و اهداف کاتب و هم‌چنین علت تمرکز وی بر گردآوری اسنادی از دوره سلجوقی تا صفوی در تدوین مجموعه منشآت حاضر، از پرسش‌های مهم این مقاله و نقد اثر است.

## ۲.۱ نظری بر پیشینه

تدوین، گردآوری و نگاشتن منشآت فارسی، پیشینه‌ای به درازای سنت دیوانسالاری ایرانی دارد. نخستین نمونه‌ی شناخته‌شده را می‌توان به دوره‌ی غزنوی و کوشش‌های ابوالفضل بیهقی پیوند داد (عارفی، ۱۳۹۴). در روزگار معاصر، تلاش‌های جدی که درخصوص نقد و بررسی نسخ خطی انجام شده، عمر درازی ندارد<sup>۱</sup> و «شاید عمر آن به پنجاه سال هم نرسد» (ثروت ۱۳۹۶: ۳). برای اشاره‌ای روشن‌تر، سلسله مقالاتی از محمدتقی دانش‌پژوه در زمینه‌ی دبیری و نویسندگی در مجله‌ی «هنر و مردم» منتشر شده و دارای اطلاعاتی ارزشمند درحوزه‌ی شناخت مجموعه‌های منشآت و شیوه‌ی نگارش آن‌ها توسط دبیران و کاتبان است که البته در بین فهرست مآخذ این مجموعه، از نسخه‌ی مدنظر در این پژوهش نامی آورده نشده است (بنگرید به: دانش‌پژوه ۱۳۵۱: ۵۶-۴۸). دانش‌پژوه، اما در جایی دیگر به مجموعه‌ی منشآت حاضر اشاره‌ای دارد و آن را صورتی از «مجمع‌الانشا» تألیف «حیدر بیگ ایواوغلی» می‌داند (غفاری فرد ۱۳۸۱: ۳۰). با بررسی تطبیقی هر دو اثر، روشن شد که نظر دانش‌پژوه در مشابهت و یکی بودن هر دو نسخه، صحیح نیست<sup>۲</sup> و باوجود تکرار برخی اسناد در هر دو نسخه، مجموعه‌ی منشآت حاضر نمی‌تواند به هیچ‌عنوان نسخه‌ی بدل یا صورتی از مجمع‌الانشا باشد. حتی این گمان می‌رفت که در بخشی که مجمع‌الانشا و نسخه‌ی حاضر، به کتابت اسناد و فرامین دوره‌ی سلجوقی تا اواخر تیموری پرداخته‌اند، با توجه به هم‌زمانی تقریبی روزگار حیات صادق‌ای تبریزی کاتب نسخه‌ی حاضر و ایواوغلی، کاتب مجمع‌الانشا - هر دو از مآخذ یکسان استفاده کرده باشند و به همین سیاق، همانندی فراوان بین اسناد دیده شود. با تطبیق محتوای نسخ، این نتیجه

حاصل شد که چنین نیست و بسیاری از فرامین و اسناد هر دو نسخه، در دیگری نیامده و بالعکس. بر همین اساس، مجموعه‌ی منشآت‌ی حاضر تاکنون مورد نقد و بررسی قرار نگرفته و ارزش‌ها و کاستی‌های آن نمایانده نشده است.

## ۲. معرفی کلی اثر

### ۱.۲ درباره کاتب: خواجه محمدصادق ناظم تبریزی

خواجه محمدصادق ناظم تبریزی، معروف به صادق (صادق‌ای تبریزی)، کاتب این مجموعه‌ی منشآت‌ی؛ شاعر، تذکره‌نویس، خوشنویس و کاتب ایرانی سده‌ی یازدهم هجری در شبه‌قاره‌ی هند و دربار صفوی، اهل تبریز و ساکن عباس‌آباد اصفهان بوده و اهل تاریخ و ادبیات او را بیشتر با «تذکره‌ی ناظم» می‌شناسند (ناظم تبریزی ۱۳۸۵: ۶).

تاریخ دقیقی برای تولد او نمی‌توان در نظر گرفت، اما بررسی‌ها دلالت بر تولد وی در تبریز و در خاندانی اهل فضل در حدود سال ۹۷۲ ق دارد. صادق‌ای تبریزی که در دربار شاه‌عباس جایگاهی ممتاز داشت، در حدود دهه سوم قرن ۱۱ هجری راهی هندوستان شد و پس از چندی اقامت در گجرات، به دربار ابراهیم عادل‌شاه ثانی (حکومت: ۹۸۸-۱۰۳۵ق) در دکن وارد شد و قصیده‌ای نیز در مدح وی سرود (نصرآبادی ۱۳۷۸: ۴۵).

صادق‌ای از کاتبان و خوشنویسان دربار شاه‌عباس صفوی به حساب می‌آمد و مانند بسیاری دیگر از کاتبان و دبیران تاریخ دیوانی ایران در روزگار اسلامی، ضمن آشنایی با فن دبیری و انشاء و نویسندگی، به گردآوری اسناد و مکاتبات و منشآت دیوانی دوره‌های مختلف تاریخی تا روزگار معاصر خود (از روزگار سلجوقی تا صفوی) پرداخته است. از او افزون بر کتابت این مجموعه‌ی منشآت‌ی - کمتر شناخته شده - تذکره‌ای تحت عنوان «نظم گزیده»، دیوانی مشتمل بر شش هزار بیت از غزلیات، رباعیات، قصاید و یک مثنوی با عنوان «فیروز و شهناز» نیز به جای مانده است (برای آگاهی بیشتر بنگرید به: یلمه‌ها ۱۳۹۲).

## ۲.۲ ویژگی‌های نسخه

نسخه‌ای که در این پژوهش مورد بررسی و نقد قرار خواهد گرفت، در ۴۹۳ برگ و به خط نستعلیق خوش، به‌طور کلی شامل ۱۷۴ سند و مراسله از فرامین، منشآت، اخوانیات، سلطانیات، تهنیت‌نامه‌ها، فتح‌نامه‌ها، منشور، مثال، عذرنامه، فریادنامه، عهدنامه، ذکر اصناف و مشاغل و نوشته‌جات متفرقه‌ی دیگر که از لحاظ شناخت بهتر تاریخ اجتماعی و فرهنگی مهم هستند، می‌باشد<sup>۳</sup> که البته در بخش نوشته‌جات متفرقه در انتهای نسخه، افتادگی و نواقصی به چشم می‌خورد. همچنین نسخه در بخش ذکر اصناف و حرف و مشاغل نیز نیمه‌کاره مانده و یا دچار قصور در کتابت و یا افتادگی و آسیب شده است. در بین مکتوبات؛ اسناد دیوانی و فرامین حکومتی و منشآت مهمی از شخصیت‌هایی هم‌چون آلب ارسلان سلجوقی، خواجه نظام‌الملک توسی، خواجه نصیرالدین توسی، امیر تیمور، شاهرخ تیموری، سلاطین ترکمان، شاه اسماعیل اول، شاه طهماسب، شاه‌عباس اول و ... در این نسخه گردآوری شده است و بسیاری از آن‌ها در پیوند با روابط سیاسی با دولت‌های دیگر هم‌چون سلاطین هند، حکومت عثمانی، ازبک‌ها و ... می‌باشند که روشنگر جنبه‌های مختلفی از ستیزه‌ها و دوستی‌ها، روابط سیاسی و مذهبی و کشمکش‌های دینی و فرقه‌ای در تاریخ ایران است.

کاتب، دو نسخه از این منشآت را به رشته‌ی تحریر درآورده که در هر دو نسخه، اسناد کاملاً مشابهی موجود است. متأسفانه به دیگر نسخه که با نام "مجموعه" و در کتاب‌خانه‌ی ملک تهران با کد ۶۳۲۳ نگهداری می‌شود، صدمات فیزیکی بسیاری وارد آمده است و بخش عمده‌ی مطالب آن از میان رفته و همین امر، استنساخ، نقد و بررسی محتوای آن را ناممکن ساخته است، اما با توجه به تطبیق دقیق هر دو نسخه و بخش‌هایی از نسخه‌ی ملک که سالم مانده است، می‌توان مدعی شد که هر دو نسخه هیچ تفاوتی با هم نداشته و به احتمال زیاد، کاتب دو نسخه‌ی یکسان را برای دو شخص متفاوت نوشته است. نسخه‌ای که در این پژوهش در دست بررسی است،<sup>۴</sup> چنانکه از حاشیه‌نویسی برگ ۱۱۹ نسخه نیز پیداست به خامه‌ی صادقای تبریزی در ۱۰۰۹ هـ. ق. کتابت شده است. این نکته از جنبه دیگری نیز درخور اهمیت و توجه است: در یکی از اسناد تحت عنوان: «سواد دو مکتوب به پسران ملا عبدالرزاق لاهیجی» (برگ، ۲۴۰) سالشماری تواریخی آمده است که پس از

تاریخ تعیین‌شده برای کتابت نسخه می‌باشند و این گمان را تقویت می‌کند که اسنادی چند، در حدود سال‌های ۱۰۶۰ تا ۱۱۲۱ ق توسط کاتب دیگری به مجموعه افزوده شده است. در سرتاسر نسخه، نام کاتب در هیچ برگه و سندی نیامده و البته افتادگی‌های نسخه را نیز در این کاستی باید در نظر داشت. کاتب خوش‌نویس این نسخه تنها در یکی از مکاتبات در بخش تهنیت نامجات، اشاره‌ای موجز به نام خویش دارد،<sup>۵</sup> در صحت انتساب نسخه به صادقای تبریزی باید گفت این امر در طی مراجعه به دیگر فهراس مؤلفان و گنجینه‌های اسناد و نیز در مقالات بزرگان تصحیح و دبیری و نویسندگی پیداست که به برخی از آن‌ها در همین مقدمه نیز اشاره رفته. از جمله می‌توان نمونه آسیب‌دیده همین نسخه در کتاب‌خانه ملک که ذکر و تفصیل آن در همین مقدمه آورده شده است را مثال زد.

آن‌طور که در فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنا) آمده (بنگرید به: درایتی ۱۳۹۰: ۳۱) و نیز بر پایه خط تملیک نسخه (برگ ۳)، این مجموعه تا سال ۱۲۹۸ ق. در کتاب‌خانه‌ی محمدحسن خان صنیع‌الدوله بوده و سپس، نسخه را حاج مهدی قلی خان مخبرالسلطنه به دکتر قاسم غنی در ۱۲ آبان ۱۳۲۳ اهدا کرده است. از نام مؤلف و کاتب بر روی جلد یا پشت جلد یا در لابه‌لای برگ‌های نسخه اثری نیست؛ همچنین نسخه عنوان تألیف ندارد.

## ۳.۲ قلمرو موضوعی اسناد

قلمرو موضوعی این مجموعه در خصوص تاریخ ایران و در بازه‌ی زمانی سده‌ی ۵ تا ۱۱ هجری قمری است؛ بر طبق توالی تاریخی اسناد، نخستین مکتوب نسخه، منشوری از آلب ارسلان سلجوقی است که تعیین حدود زمان تاریخی آن ۴۶۴-۴۵۵ هـ ق. تخمین زده می‌شود و آخرین مکتوب تاریخی این مجموعه، نامه‌ای است از ملا عبدالواسع منشی (متوفی به سال ۹۱۹ ق) از منشیان روزگار صفوی، که می‌توان زمان حدودی کتابت سند توسط کاتب را تا ۱۰۷۰ هـ ق. (اوایل قرن ۱۱ هـ ق) به پیش برد.



### ۳. تحلیل ساختار و نقد شکلی، ابعاد اثر

با توجه به تفاوت خط کتابت در برخی از اسناد (برای نمونه، بنگرید به: برگ ۱۹۴) پیدا است که نگارش نسخه توسط کاتب‌های مختلف (احتمال زیاد دو الی سه کاتب) انجام شده است، اما عمده‌ی نگارش بر عهده‌ی کاتب اصلی یعنی همانا صادقای تبریزی است که بیش‌تر حجم نسخه را به خط خویش کتابت نموده.

در این نسخه، از اشعار فارسی و عربی بسیاری استفاده شده است. صادقای تبریزی که فردی باسواد و آگاه به موازین ادبیات بوده، گاه اشعاری را آورده که سراینده از شعرای شناخته‌شده یا حتی کمتر شناخته شده نیست و چون خود او طبع شعر داشته و مثنوی نیز سروده است و تخلص ناظم داشته، ای بسا شعر از خود او باشد. این مهم در بخش انتهایی نسخه که به ذکر اصناف و مشاغل اختصاص دارد و در قالب شهرآشوب نویسی (اصنافیه) نمود یافته است (برای آگاهی از مهمترین شهرآشوب‌ها و چگونگی شهرآشوب نویسی در ادب فارسی، بنگرید به: گلچین معانی ۱۳۸۰) بیشتر دیده می‌شود. (برای دیدن نمونه‌هایی از این دست اشعار، بنگرید به: برگ‌های ۳۹۲-۳۹۷)

در خصوص قصور در کتابت، کاتب (و به احتمال بسیار زیاد کاتبین) در قسمت‌هایی از نسخه، کتابت متن را نیمه‌کاره رها کرده‌اند. برای مثال در برگ‌های ۳۹۱، ۳۹۳ و جاهای دیگر - که البته زیاد نیست - مشاهده می‌شود که ادامه متن مکتوب تحریر نشده است. این مسئله به دو شیوه انجام گرفته؛ در برخی قسمت‌ها کتابت مراسله و یا مقدمه‌ی مورد نظر به‌طور کلی رها شده و پس از خالی گذاشتن صفحه، در برگ بعدی نامه و مکاتبه‌ی جدیدی آغاز می‌شود و در برخی اقسام نیز بخشی از میانه‌ی متن رها شده است؛ به این صورت که از متنی ده صفحه‌ای چهار صفحه‌ی نخست نوشته شده، چهار صفحه از میانه‌ی آن رها شده و به نگارش درنیامده و در انتها، دو صفحه‌ی پایانی آن را تحریر کرده‌اند. این مهم، نشان‌دهنده‌ی این فرضیه است که سند یا اسنادی به دست کاتب نرسیده و او صفحات را خالی گذارده تا به سند مورد نظر دست یابد و در جای خویش کتابت نماید، اما به هر دلیل توفیق نیافته. همین مسئله موجب سکتة موضوعی در این اثر شده است.

از شواهد دیگر برای تقویت ادعای چندکاتبه بودن نسخه، خالی ماندن برخی قسمت‌ها در میانه‌ی متون مختلف نسخه می‌باشد. برای نمونه، باید توجه کرد که در بسیاری از مکتوبات نسخه نظم‌های زیادی کتابت شده است. این اشعار به احتمال، توسط کاتبی دیگر

به نگارش درمی‌آمده؛ چراکه جای برخی ابیات و یا اشارات خالی مانده و این نشان از این دارد که کاتب در وهله‌ی نخست، این متون را کتابت نکرده است. از سویی تفاوت دست‌خط در کتابت اینگونه ابیات با متن مراسلات و اسناد، دلیلی است بر این ادعا. (بنگرید به: برگ ۱۹۳)..

هم‌چنین باید اشاره کرد که این نسخه در طول تاریخ به احتمال یک‌بار ترمیم شده است، آثار آن را می‌توان در برخی برگ‌ها، به‌ویژه برگ‌هایی که دارای حاشیه هستند دید (بنگرید به: برگ ۵۶). در بعضی از بخش‌ها، کاتبی دیگر سعی در بازنویسی قسمت از میان‌رفته داشته است و نیز برخی از برگ‌های این نسخه، بر روی برگ‌های دیگر چسبانیده شده است. برگ پایانی نسخه از این ویژگی برخوردار است، اما شیوه‌ی این کار به روش امروزی نیست و به روشی که کاتبین دوره‌های نزدیک به صفویه از آن بهره می‌بردند، شباهت دارد. این نشانه، گمان مربوط به ترمیم این نسخه در طول تاریخ (و نه تاریخی نزدیک به امروزه) را بیشتر به یقین نزدیک می‌کند.

از ویژگی‌های منحصربه‌فرد این نسخه، این است که، برخی برگ‌ها (۳ الی ۴ برگ) دارای شیوه‌ی خاصی از پانویسی بر متن به سیاق روش‌های امروزی است که به نوبه‌ی خود، موردی جالب توجه است؛ به عنوان مثال، کاتب معنی برخی کلمات را با همان جوهر اصلی متن در ذیل واژه یادداشت کرده که کمتر در نسخ هم‌عصر، به آن برمی‌خوریم (برای نمونه بنگرید به: برگ‌های ۱۶۱ و ۲۴۴).

به‌طور کلی، با اینکه در مجموع، فهم اراده‌ی کاتب بر ترتیب دادن چارچوب موضوعی، زمانی و مکانی خاص برای این نسخه دشوار و به شواهد و فرضیات وابسته است، ولی در میانه‌ی رو به انتهای نسخه، ناظم تبریزی کوشش بر موضوعی نوشتن اسناد و مکاتبات کرده است. پیش از این، تمامی اسناد بدون توالی تاریخی و ترتیب موضوعی، به روشی جنگ‌مانند از پی هم کتابت شده‌اند. برای مثال، در این بخش‌ها، کاتب اسناد با موضوع فتح‌نامه‌ها را از پی یکدیگر آورده و این کار را در مورد چند موضوع دیگر مانند آوردن برخی نامه‌ها از حکام پادوسبانی به صورت پیاپی نیز ادامه داده است (برگ‌های ۳۸۰-۳۵۳). هم‌چنین در بخشی از اثر که شامل اسنادی بی تاریخ است، مکتوباتی چند با موضوع حرف و مشاغل و اصناف، متوالی و موضوعی کتابت شده‌اند.<sup>۶</sup> برای به دست دادن مقایسه‌ای در این زمینه، می‌توان به کتاب منشآت سلیمانی اشاره کرد که مجموعه رسائلی است به کتابت

و تدوین دبیران دبیرخانه شاه سلیمان صفوی. در این اثر، مکتوبات با تمرکز بر فن انشا و دبیری و قواعد سخنوری کتابت شده است و دارای توالی و ساختار موضوعی است (برای این مقایسه، بنگرید به: منشآت سلیمانی: ۱۳۸۸).

منشآت صادقای تبریزی دارای هیچ گونه آرایش فنی خاصی نیست و هیچ گونه تذهیب یا طرح نسخه پردازی در تهیه آن به کار نرفته است. بر همین مبنا نمی توان آنرا در زمره نسخ آرایه مند نام گذاری کرد (برای آگاهی بیشتر و مقایسه، بنگرید به: مایل هروی ۱۳۸۰: ۲۹). در همین راستا و در پیوند با قواعد کتابت و نشان گذاری و خطنشانی، تنها قاعده به کار رفته، رعایت تمایز بین عناوین و عبارات متن و به جوهر قرمز با همان خط، توسط کاتب است. و از آنجایی که برخی کاتبان قدیمی توجهی به تفکیک و جداسازی موضوعی مطالب نداشتند، در این نسخه نیز به سیاق بعضی از نسخ کهن، فصل بندی و پاراگراف بندی رعایت نشده و در آن راه نیافته است. (برای آگاهی بیشتر در این زمینه، بنگرید به: برگشتراسر ۱۳۷۰: ۲۲۹)

در رابطه با شناخت اثر، مهر یا مطلبی حاکی از تاریخ تولد یا وفات یا امضا و غیره در آغاز و انجام نسخه و همچنین برگ بدرقه دیده نمی شود. تاریخ اتمام کتابت نیز از محتوای اسناد، حاشیه نویسی ها یا چنان که معمول بوده از «خاتمه»ی اثر به دست نمی آید؛ هرچند که پیدا است این نسخه برای فردی عالی رتبه یا کتابخانه های درباری کتابت شده است. نسخه طرف اهدا یا سفارش ندارد و امضای تأیید نیز در آن پیدا نیست. از آنجا که نسخه دارای مقدمه نیز نمی باشد؛ بنابراین از سبب تألیف نیز سخنی به میان نیامده است و تنها باید برحسب شواهد و احتمالات نزدیک سبب تألیف را دریافت. در مقام مقایسه میتوان به منشآت میر محمد حسین تفرشی، کاتب دیوان رسائل در روزگار شاه عباس اول و شاه صفی تحت عنوان منشآت تفرشی اشاره کرد که با هدف نگارش اخوانیات فراهم آمده است و افزون بر آن، شرح حال و روزگار شخص کاتب نیز در خلال مسودات بیان شده است (بنگرید به: بهرام نژاد ۱۳۸۶: ۹۳).

کاغذ نسخه از نوع کاغذ سپاهانی با جلد تیماج سبز ضربی است. ابعاد و اندازه نسخه به شرح ذیل:

۲۵۲ گ ۳۴×۲۰ - ۲۷ - ۲۷×۱۵.

نشان می‌دهد که نسخه دارای ۲۵۲ برگ در ابعاد ۲۰ در ۳۴ سانتی‌متر است. در هر برگ ۲۷ سطر است که ابعاد متن ۱۵ در ۲۷ سانتی‌متر می‌باشد و چنانکه اشاره رفت، این ابعاد عموماً جهت کتابخانه‌های سلطنتی و درباریان توانگر کتابت می‌شد.

### ۱.۳ رسم الخط و املا: ویژگی‌ها و کاستی‌ها

کاتب نسخه دارای خطی خوش به نستعلیق شکسته بوده، اما این امر مانع از آن نیست تا خوانش متن با وجود کاستی‌هایی به آسانی به پیش رود. از جمله کاستی‌ها و نواقص کتابت متن، می‌توان به عدم نقطه‌گذاری برخی حروف توسط کاتب یا مشابه نوشتن "ش" و "س" و نیز در جاهایی سرکش نگذاشتن بر "گ" و شباهت آن با "ک" و از این قبیل دشواری‌ها که البته برخی به سبک انشای دوره‌ی مورد نظر بازمی‌گردد اشاره نمود. مهم‌ترین علامت و رمزهای کتابتی که کاتب از میان نشان‌های مخصوص کاتبان در نسخه به کار برده از این قرار است:

(۱) حرف "ع": بررسی متن نشان داد که به کارگیری نشان ع در کتابت این نسخه در هنگامی بوده که کاتب می‌خواسته تا از یک مصرع یا عبارت مشهور همچون ضرب المثل، در تأیید کلام خویش بهره ببرد.

(۲) واژه «صح» در بالای برخی واژه‌ها: یعنی به همین شکل درست است.

(۳) واژه «ص»: به معنای نارسایی و اشتباه و یا نادرستی واژه‌ای در سندی کتابت شده، و به زعم کاتب است که عموماً در چنین مواردی تمایلی به اصلاح نارسایی از سوی خود نداشته است.

(۴) نشان «-» یا خط کوتاه به رنگ جوهر متن: بیانگر افتادگی یا حذف مطلبی است.

(۵) در برخی خطوط، اگر کاتب سهواً واژه‌ای را کتابت نموده، بر روی آن با همان جوهر مشکی خط کشیده و شکل صحیح را در بالای همان واژه آورده است.

(۶) می‌توان چنین گفت که تا قرن سوم هجری در بسیاری از شناسه‌های نوشتاری کتابت، برای حروف عربی نقطه‌گذاری صورت نمی‌گرفته است و این امر خوانش متن را دشوار می‌ساخت. برای پیشگیری از تحریف متن، «دانشمندان تا قرن ششم هجری بر روی حرف‌های عربی رمزهایی قرار می‌دادند تا در نسخه‌برداری آن‌ها و خواندن واژه‌ها اشتباهی

روی ندهد» (فروهر ۱۳۷۹: ۱۴). و نیز «گاهی در زیر واگ «س» سه نقطه قرار می‌دادند تا با «ش» اشتباه نشود» (همان). در این نسخه، در بسیاری از برگ‌ها چنین آداب کتابتی به کار گرفته شده است.

۷) نسخه در صفحات معدودی دارای حاشیه‌نویسی است.<sup>۷</sup> شواهد دلالت بر آن دارد که مُحشی (حاشیه‌نویس)، همانا کاتب اصلی است و با جوهر مشکی و البته با دقت کمتری به نسبت کتابت متن اصلی، برخی حاشیه‌نویسی‌ها را کتابت کرده است.

۸) فن ترسل کاتب چنین بوده که احتمالاً "تصحیف"<sup>۸</sup> را در خوانش اسناد بالا می‌برد. این امر را نمی‌توان حمل بر بی‌دقتی کاتب کرد؛ بلکه متأثر از سبک دیوانی کاتبان درباری است؛ همچنین کاتب در بسیاری از صورت‌های کتابت خویش منقوط بودن حرف و واژه را به سیاق فن ترسل عصر صفوی رعایت نکرده است.

۹) کاتب با نوع خاص کتابت خویش بارها موجب نزدیکی شکل نوشتاری برخی حرف‌ها و در برخی از بافت‌های جملات شده است. به عنوان مثال نزدیکی "دال" و "ذال"، با "ر" و یا گاه نزدیکی کتابت شکل نوشتاری "نون" و "لام" و از این دست<sup>۹</sup>

۱۰) در این مجموعه گاه شکل‌های نوشتاری غریب برای خواننده امروزی نیز راه یافته؛ مانند نوشتن "هراه" به جای "هرات" یا "بیاسم/الله" به جای "به باسم/الله" و نوشتن اسمعل به جای اسمعیل و همیون به جای "همایون" و از این دست. (برگ ۵۵). همچنین باید اشاره کرد به سرهم‌نویسی برخی واژگان که به جدانویسی شهره‌ترند، در این کتابت.

۱۱) به جای "ی" کلمات مختوم به‌ی، همه جا از حمزه استفاده شده؛ مانند حذف "ی" در: "دریای" و آوردن حمزه به جای آن: دریاء. (سرتاسر نسخه)

۱۲) نشانه‌گذاری، به‌جز جدا کردن مصرع‌ها و بیت‌های اشعار از هم با سه نقطه قرمز، در نسخه راه نیافته.

#### ۴. نگاهی به محتوای تاریخی اثر و ضرورت توجه به آن

اسناد منتشر نشده این نسخه راهنمای خوبی جهت فهم سیر تحول منشآت نویسی، آداب دبیری، شناخت جنبه‌های مختلف تاریخی و روابط سیاسی دولت‌های حاکم بر ایران با همسایگان خود، بررسی روابط رجال و شخصیت‌ها و... است.

در کتاب‌هایی که در روزگار معاصر با تمرکز بر اسناد تاریخی نوشته شده‌اند، جای اسناد تاریخی این مجموعه‌ی منشآت‌ی خالی بوده و بدون توجه به این اسناد و مکاتبات تاریخی، فهم کامل روابط بین‌المللی و سیر تاریخی وقایع و کنش‌های تاریخی انجام‌یافته، دارای کاستی خواهد بود. همچنین بسیاری از مکاتبات و اسناد این مجموعه، یاری‌گر کاستی‌های تدوین تاریخ اجتماعی ایران به‌ویژه در بازه‌ی زمانی این پژوهش خواهند بود. برای نمونه می‌توان اسناد دوره‌ی صفوی را که در این نسخه فراهم آمده پیش چشم داشت. روابط سیاسی صفویان با دولی چون عثمانی، ازبکان و ملوک هند واجد اهمیت زیادی می‌باشند و در مقالات پژوهشگران این حوزه کمتر به مکتوباتی از چنین نسخ خطی بررسی نشده اشاره رفته و پژوهش در روابط سیاسی ذکر شده با رجوع به این دست‌سندها نیازمند دوباره نویسی و بازنگری است. با این اوصاف، نقد و بررسی و شناساندن و این نسخه به جامعه‌ی تاریخ ضروری می‌باشد.

## ۵. نقد بینش و روش کاتب

این که چه نسبتی میان ساختار متن از نظر تقدم و تأخر تاریخی، موضوعی و محتوایی مکتوبات، با توجه به عدم رعایت توالی تاریخی در کتابت منشآت؛ باهدف، انگیزه و رویکرد کاتب وجود دارد، موجب طرح فرضیاتی بر اساس محتوای اثر و نیز زمانه‌ی زیست کاتب شد.

با توجه به اینکه پیشتر و در بخش نقد ساختاری اثر به آن اشاره شد، نظم تاریخی یا موضوعی و تقدم و تأخر در فهرست منشآت، به لحاظ تاریخی رعایت نشده است، نخستین فرضیه مطرح‌شده بر این شواهد استوار بود که هدف اصلی کاتب ارائه‌ی مکتوباتی گزینشی از دوره‌ی صفویه و گردآوری مجموعه‌ای از دست‌نویس‌های حرفه‌ای برای منشیان و کاتبان دیوان است و در فهرست‌بندی این نسخه، تأکید بر فن ترسل، آموزه‌های منبعث از احادیث و باورهای اسلامی به‌ویژه کلام شیعه و البته محتوای غیر سیاسی آن<sup>۱۰</sup> مقصود بوده است.

برای پاسخ به این فرضیه‌ی پژوهش که کاتب تأکیدی بر آموزه‌های شیعی داشته است، کثرت آیات و احادیث و اشعار و عبارات ادبی استفاده شده توسط صادق‌ای تبریزی که شیعه بودن وی از اشارات او در اسناد و انتخاب آن‌ها پیدا است، مؤید این رویکرد به عنوان

یکی از نیات کاتب در تدوین اثر است. از تعداد ۱۱۴ سوره قرآن، آیاتی از ۸۳ سوره در محتوای منشآت گزینش شده توسط کاتب آورده شده. بر طبق شمارش تمامی آیات متن نسخه، بیشترین فراوانی آیات مربوط به سوره مبارکه بقره با ۴۴ آیه و بعد از آن، آل عمران با ۲۰ و سپس انعام با ۱۸ آیه است. در مجموع ۴۶۰ آیه بدون تکرار استفاده شده است و بیشترین تکرار آیه مربوط به آیه ۲۶ سوره مبارکه آل عمران است. به کارگیری آیات سوره‌های یادشده تماماً در بخش‌هایی از کتابت است که به توصیه‌ها و آموزه‌های اخلاقی قرآنی در باب سجایای اخلاقی مؤمنان اشاره می‌شود.

اما در باب احادیث:

پرتکرارترین حدیث مربوط به حدیث قدسی "لولاک لما خلقت الافلاک" با ۵ بار کتابت است که حدیث یاد شده از احادیث بسیار مورد توجه شیعیان است. بیشترین احادیث استفاده شده در متن اسناد از حضرت رسول (ص) با ۵۵ حدیث است و فراوانی احادیث دیگر مربوط به امام علی (ع) با ۱۱ حدیث، امام صادق (ع) با ۵ حدیث، امام محمدباقر (ع) با ۱ حدیث و البته آوردن ۳ حدیث قدسی دیگر.

کاتب با وجود ارادت به اهل بیت (ع) و آیین اسلام، چندان بر تعصب معمول روزگار صفوی پای نمی‌فشرد و برای نمونه در نامه‌ای تحت عنوان: «سواد مکتوب علمای ماوراءالنهر به علمای مشهد مقدس» (برگ ۲۳۴)، ایرادات علمای اهل سنت ماوراءالنهر را بر نظریات روحانیون شهر مشهد و مذهب شیعه کتابت می‌نماید و دخل و تصرفی در فحوای نامه روا نمی‌بیند. هرچند از پی آن پاسخی مفصل از علمای شیعه را به همان مکتوب می‌آورد (برگ ۲۳۶). تفصیل نامه‌ی مذکور که از سوی مولانا محمد رستم‌مداری (مشکک) تهیه و با هدف نشان دادن دست پُرتر علمای شیعه در مباحثه و استدلال بر علمای اهل تسنن ماوراءالنهر کتابت شده است، نشان از باور و علاقه درونی - و نه تعصب او - به تشیع است. کتابت چنین نامه‌ای در روزگار صفوی در مجموعه منشآت دیوانی و از سوی کاتبی درباری، نشان از آن دارد که کاتب به‌رغم شیعه بودن، از تعصب معمول زمانه به دور است و افزون بر آن، اهل بینش است و از سوی حکام و اهل دربار تهدیدی را متوجه خویش نمی‌بیند. این معنی باز هم در جهت شناخت بینش کاتب مهم است.<sup>۱۱</sup>

در باب پاسخ به پرسش دیگر این نقد، مبنی بر چرایی رعایت نکردن ساختار موضوعی، باید اشاره داشت که مجموعه‌های منشآت معروف تاریخ ایران همچون

«التوسل الی التوسل» یا «دستورالکاتب» و... عموماً تألیفی از کاتب همان مجموعه می‌باشند، اما کتابت نسخه‌ی حاضر دارای این تفاوت با مجموعه‌های پیشین است که اسناد نسخه، تالیف نیستند بلکه با هدفی خاص گردآوری و کتابت مجدد شده‌اند.

توضیح آنکه؛ با توجه به دانش و جایگاه ممتاز صادقای تبریزی در عصر صفوی و نقد و بررسی محتوای اسناد گزینش شده جهت کتابت، فرضیه دیگری نیز در بینش و روش کاتب مورد توجه قرار گرفت و برای آن شواهد نیرومند یافت شد: *صادقای تبریزی* با توجه به زمانه‌ی زیست خویش که در نیمه اول روزگار صفوی است و اهداف سرزمینی دولت صفوی پس از برپایی آن توسط شاه اسماعیل یکم همچنان زنده بود، گستره‌ی سرزمینی قلمرو ساسانی که بعدها توسط سلجوقیان و البته ایلخانان، از جیحون تا فرات پی گرفته شده (بنگرید به: اکبری ۱۳۸۸: ۷) و سپس صفویان داعیه آن را داشتند را، الگوی چینش اسناد نسخه خویش قرار داده است.

سلجوقیان، که قلمرو موضوعی اسناد نسخه از دوره آنها و با دو نامه از آلب ارسلان گزینش و آغاز می‌شود، از نظر قلمرو و گستره مرزهای حکومتی، الگوی دوره ساسانی را مورد نظر داشتند (خسروبیگی ۱۳۹۵: ۳۲۱) این مرزها از کاشغر تا سواحل مدیترانه و از سواحل دریای عمان تا قفقاز گسترانیده بود (تکمیل همایون ۱۳۷۹: ۶۷). در دوره صفویه و از پی حاصل شدن وحدت سرزمینی، مجدداً و بر اساس همان الگوی تاریخی،

رود جیحون مرز شمال شرقی ایران و قندهار و کلات مرز شرقی و داغستان و گرجستان و شروان مرزهای شمال غربی و در جنوب نیز چون گذشته سواحل و جزایر دریای عمان و خلیج فارس نقش همیشگی خود را بر عهده گرفتند (خسروبیگی ۱۳۹۵: ۳۲۲).

چنین رویکردی را می‌توان در یکی دیگر از آثار مهم دوره صفوی یعنی *شاه اسماعیل نامه* دید. قاسمی حسینی گنابادی خالق این اثر منظوم، با رویکردی همدلانه، بر اساس تاثیر بینش سیاسی خاصی که در زمانه او رایج بوده است و مبتنی بر برجسته سازی وجه آرمانی اقدامات شاه اسماعیل یکم است، بدون پرداختن به ضعف‌های قهرمان اثر خویش به تمجید اقدامات ممدوح خود یعنی شاه اسماعیل اول می‌پردازد (برای آگاهی بیشتر بنگرید به: فراهانی ۱۳۸۷: ۹۶). در این متن حماسی، باز هم قلمرو مورد ادعای صفویه که پیشتر از آن یاد شد، جایگاه خاصی دارد. در اندیشه گنابادی، مقصود از «جهان» همان جهان مورد اشاره



اساطیر ایرانی است. یعنی «ممالک ایران و توران» (قاسمی حسینی گنابادی ۱۳۸۷: ۱۸۳). هم‌چنین در شعر وی، شاه اسماعیل یکم، فرمان «به ضبط سمرقند و توران زمین» داده است (همان: ۳۳۱) و این ادعا و فرمان به تمامی مورد تایید و ستایش نزدیکان و درباریان شاه اسماعیل قرار گرفته است (همان: ۳۱۷).

نیمه‌کاره ماندن بخشی از برخی اسناد با چنین مضامینی در نسخه، خود این فرضیه را تقویت می‌نماید که کاتب منتظر می‌مانده تا به اسناد یا مکتوباتی در راستای اهداف خویش دست‌رسی پیدا کند و سپس به متن بیفزاید و گاه توفیق نیافته است. این روش کتابت مبتنی بر بینش، راهی است در جهت پی بردن به کنه ذهن کاتب در الگوی گردآوری این مجموعه منشآت.

در این نسخه تعدد و با گزینش کاتب مکتوبات سلاطین ترک‌زبان به زبان فارسی کتابت و گردآوری شده و محتوای مکتوبات با استعاره از اشعار شعرای ایرانی تدوین یافته و این خود نشان دیگری در تقویت فرضیه‌ی طرح شده است.<sup>۱۲</sup> توجه به این معنی نیز راهگشا است که کاتب سپس به سراغ مکتوبات *خواجه نصیرالدین وزیر شیعی* *ملاکو می‌رود* (برگ‌های: ۲۴۱ و ۲۴۲) و از دوره مورد اشاره مکتوبی از وزیری دیگر را گزینش نمی‌کند. برای بررسی موردی می‌توان ۲ نمونه پیش رو را مثال زد: در نامه‌ای تحت‌عنوان: «سواد منشور تکش خوارزمشاه به افضی القضاة خویش» (برگ ۱۲۴) که گزینشی است از کتاب «التوسل الی الترسل» بهاء‌الدین بغدادی، حذف نام صدرالدین در متن نسخه و نیز پاره‌ای اختلافات دیگر همچو حذف برخی وظایف افضی القضاة<sup>۱۳</sup> مانند حراست از اخبار و آثار صحابه که در «التوسل...» آمده، توسط این کاتب شیعه مذهب روزگار صفوی، نشان قوت فرضیه‌ای است که در باب بینش او طرح شده است. و نمونه دیگر، در نامه‌ای تحت عنوان: «منشور آلب ارسلان به یکی از فرزندان خود» (برگ ۱۱۹) که باز هم گزینشی است از کتاب «التوسل الی الترسل»، در بخش‌هایی خاص شاهد اختلافات با متن *التوسل الی الترسل* هستیم. توضیح آنکه؛ در میانه‌ی این نامه و در «التوسل...» پاراگرافی در مدح صوفیان آمده (بنگرید به: بهالدین بغدادی ۱۳۸۵: ۱۹) و از آن‌ها با تعبیر «اوتاد زمین» یاد شده است، اما در کتابت *صادق‌ای تبریزی*، این بخش از مکتوب را نمی‌بینیم. از آن‌رو که کتابت این مجموعه توسط تبریزی، در هنگامه‌ی حذف جایگاه قزلباشان و کم‌انگاری صوفیان به انجام رسیده و به نظر می‌رسد این پاراگراف تعدد از سوی

کاتب حذف شده است. یعنی باز هم شاهد تأثیر روزگار و زمانه‌ی کاتب بر بینش و عملکرد سیاسی او هستیم. از سویی، در بخش تهنیت‌نامه‌های نسخه (برگ ۳۴۳) مواردی چند از تهنیت‌نامه‌هایی در پیوند با اعیاد غدیر و نوروز آورده شده که ناگفته پیدا است این اعیاد در پیوند با آیین‌های ایرانی و شیعی است. بدین منظور از مجموع ۳۶ مورد تهنیت‌نامه که گاه مضامین اجتماعی همچون تولد فرزند و... دارند، ۲۰ مکتوب در پیوند با اعیاد یاد شده است. این معانی به نوعی، نشان‌دهنده‌ی بینشی از سوی کاتب است که در طرح کلان خود، نظر به کوشش‌های صفویه در راستای احیای مرزهای تاریخی دارد و در ادامه همان رویکرد پیشین در راستای احیای هویت ایرانی است.

در منشآت صادقای تبریزی همچنین شاهد تحول معنی «دولت» به نسبت اسناد سلجوقی، در نامه‌های صفویه هستیم. برای بررسی موردی می‌توان معنی «دولت» را در نامه‌ای از آلب ارسلان مورد توجه قرار داد. در این سند که در واقع منشور بخشش خوارزم به یکی از فرزندان آلب ارسلان است (برگ ۱۲۷)، دولت در همه جا به معنای مکتنت و بهره‌مندی به کار رفته است (برگ‌های ۱۲۸-۱۲۷ و جاهای دیگر)<sup>۱۴</sup>. اما در نامه‌های صفوی نسخه و بویژه اسناد مرتبط با شاه‌عباس اول، تحول معنایی دولت به سوی مفهوم سیاسی می‌رود و به «مصالح دولت» و «منافع دولت» تبدیل می‌شود. برای نمونه می‌توان نامه شاه‌عباس به سلطان محمد عثمانی را مثال زد که در تهنیت جلوس وی ارسال شده است (برگ ۲۳). در این نامه مفهوم دولت با تعبیری همچون «دولت قاهره» (همان)، «دولت فاتح» (برگ ۲۵) و «ارکان دولت» (برگ ۲۶) همراه است.

در این نسخه با ۸۵ مورد اشاره به نام «ایران» در نامه‌های شاه‌عباس یکم و شاه طهماسب و دیگر مکاتبات دیوانیان عصر صفویه روبه‌رو هستیم<sup>۱۵</sup>. مفهوم ایران در این نامه‌ها هم همگی مفهومی سیاسی است. این یافته، خود در راستای تقویت نظریات پژوهش‌گرانی چون گراردو نیولی است که در کتاب «ایده ایران» بر تغییر مفهوم ایران از معنایی بیشتر قومی - مذهبی - سیاسی، از عصر ساسانی به بعد، به سوی مفهوم سیاسی - تا بیش‌ترین حد خود - در دوره صفویه دفاع می‌کنند و در این میان شواهد ارزنده‌ای را به‌دست می‌دهند. (بنگرید به: نیولی ۱۳۸۷: ۱۴)

اسکندر بیگ منشی مورخ دوره صفویه هم در کتاب خویش به این نیت اشاره دارد که نگارش تاریخ «ایرانیان» را در نظر داشته است (اسکندربیگ ترکمان ۱۳۸۱، ج ۱: ۳۰۸)، این

خود نشانه‌ای مهم در همین راستا است؛ چراکه در نامه های صفوی این نسخه، کلمه "ایران" و ترکیباتی چون: «تخت ایران» (برگ ۳۵۱)، «ملک ایران» (همان)، «ممالک ایران» (برگ ۳۵۲)، «دیار ایران» (برگ ۷۱)، «سلطنت ایران» (برگ ۱۴۳)، «مردم ایران» (برگ ۲۰۰) و مانند اینها بارها تکرار شده است. تمامی اسنادی هم که چنین واژه ها و ترکیباتی در آنها به کار رفته، مکاتبات دیوانی و سلطنتی خطاب به دولی چون ازبکان و عثمانی هستند.<sup>۱۶</sup> در مورد القابی هم که ریشه در حکومت‌های ایران باستان دارند، مانند: «فرخنده کی» و «جمشید جم» و «کیخسرو» و «شاه جمشید سریر» و «خسرو دادگر» و «خاقان جم جاه» و از این دست، با ۵۵ مورد تکرار چنین عناوینی در نسخه روبه‌رو هستیم.<sup>۱۷</sup> این دست اشارات در اسناد گردآوری شده در این نسخه، بر پایه اهداف نخستین فرمانروایان صفویه که بر پیوند با روح باستانی پادشاهی ایران کوششی آگاهانه داشتند تبیین می‌شود؛ زیرا تداوم عنوان «شاهنشاه ایران» برای حکمرانان صفوی پایه‌های آگاهی تاریخی را تقویت می‌نمود و با وجود دشمن نواحی شرقی (ازبکان) و نواحی غربی (عثمانی) ضرورت توجه به حماسه‌های ملی را در ایران افزایش می‌داد و از این رهگذر ملیت ایرانی را هویتی مستقل می‌بخشید (برای آگاهی بیشتر در این زمینه، بنگرید به: سرافرازی و موحد ۱۳۹۲: ۱۲۵).

صفویان بارها در مجادلات سیاسی خویش و نیز مناقشات مرزی با عثمانی و ازبکان، دست بر دعوی‌ای می‌گذازند که آگاهانه از ایران باستان سرچشمه داشته است. پژوهشی از برت فراگنر (fragner, 1989) تأکید ویژه صفویه را بر واژه ایران، و کاربست آن در مناسبات سیاست خارجه این دولت، به روشنی نشان داده است. همچنین اندرو نیومن با وجود دیدگاه‌های متفاوت خود به نسبت دیگر صفوی پژوهان غربی، اشاره دارد که اسماعیل یکم در اندیشه بازآفرینی قلمرو سرزمینی کهن ایرانیان بوده است (نیومن ۱۳۹۳: ۲۹). در اینجا این اشاره ضرورت دارد که مرزهای ایران در دوره باستان در پیوستگی با فلات ایران و مفهوم "ایران‌شهر" ساسانی دیده می‌شد (کریستن سن ۱۳۶۸: ۵۰۶-۵۱۸). و همین معنی در کتب جغرافیایی دوره صفوی نمود دارد (برای آگاهی بیشتر بنگرید به: مستوفی بافقی: ۱۳۹۰). صورت دیگری از همین مفهوم، اشاره‌ای است به رفتار قزلباشان در هنگامه نبرد با عثمانی‌ها، که با وجود آگاهی و علاقه به تبار ترکی خویش، خود را "ایرانی" دانسته و از "ایرانیّت" نیرو می‌گرفتند (سیوری ۱۳۸۰: ۱۷۶).

فزونی کاربرد کلمه ایران در منابع عصر صفوی<sup>۱۸</sup> (برخلاف دوره سلجوقی) که مورد توجه پژوهش‌گران قرار گرفته (بنگرید به: اشرف ۱۳۹۵: ۱۷۵) و آرمان نیرومند صفویان در ایجاد موجودیت مستقلی برای ایران از رهگذر تثبیت مذهب رسمی و توجه به مرزهای سیاسی، در منشآت صادقای تبریزی از راه گردآوری اسنادی خاص قابل پی‌جویی است و اکنون می‌توان دریافت که کاتب دست بر کتابت اسنادی یازیده که در ترسیم جغرافیای مطلوب صفویان و نیز ایران فرهنگی دارای اهمیت بوده‌اند و به نوعی این مجموعه بر دعاوی هویتی صفویه صحنه گذارده است.

## ۶. نتیجه‌گیری

این‌گونه است که می‌توان آرمان صفویه در ساختن دولتی مستقل، با بهره‌گیری از خاطره‌های تاریخی در بازآفرینی قلمرو سرزمینی ایران را در بینش و روش میرزا محمدصادق ناظم تبریزی کاتب منشآت صادقای تبریزی متبلور یافت. چنین یافته‌ها و نتایج، در تضاد با دیدگاه‌های پژوهشگرانی است که در نظریات و مقالات خویش، نوعی ناسیونالیسم برساخته شده در دوره معاصر را برای ایران مطرح می‌کنند و معتقد به تاثیر تاریخ‌نگاری ملی‌گرایانه و منبعث از دیدگاه‌های شرق‌شناسان غربی در ترسیم هویت ملی نوین ایران هستند. تحلیل بینش و روش در منشآت صادقای تبریزی می‌تواند چنین ادعاهایی را با چالش روبه‌رو کند.

## پیوست‌ها

### ۱. جدول تفکیکی اسناد

نوع سند	تعداد	سلسله و دوره تاریخی	تعداد
منشور	۲۷	سلجوقی	۹
مثال	۱	غوری	۱
حکم	۴	سلجوقیان روم	۵
پروانچه و نشان	۱۳	تیموری	۲۴
تعزیت‌نامه	۱۳	مغول و ایلخانی	۶

۵	جلایری	۲	سفارش نامه
۵	خانات محلی تا آغاز صفوی	۵۵	تهنیت نامه
۱۰	خوارزمشاهی	۴۶	مکاتبات مقامات
۲۷	حکام گیلان	۱	فرمان
۶	قراقویونلو	۱۱	عهدنامه
۱	نظامشاهیان	۱۹	فتح نامه
۹۶	صفوی	۱	مکاتبات خانواده سلطنتی
۴	تیموریان هند	۸۰	مکاتبات غیر رسمی
۱	عثمانی	۱	فریادنامه
باقی اسناد، بی تاریخ هستند.		۲۷	اخوانیات
		۲	عذرنامه
		۱	شکایت نامه
		۱۴	سلطانیات

### پی نوشتها

۱. برای آگاهی از این روند، بنگرید به: (مجرد ۱۳۹۶: ۱۵۷).
۲. دانش پژوه در جای دیگری نیز همین نظر را تکرار کرده و می نویسد: «این منشآت [...] تحریری است از مجمع الانشا [...] و عبدالوهاب کاتب این مقالات را [...] نوشته است.» که پیداست هم در یکی بودن این دو نسخه، اشتباه کرده و هم نام کاتب را به خطا ضبط کرده است. نگاه کنید به: (دانش پژوه، ۱۳۵۰، ۶۳).
۳. پیوست ۱، جدول تفکیکی اسناد نسخه
۴. موسوم به نسخه ۲۱-ب، کتابخانه‌ی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران.
۵. در نامه ای تحت عنوان "مکتوبی در تهنیت عید مبارک رمضان" می‌توان چنین اشاره‌ای یافت. کاتب در این سند اشاره‌ای موجز به خویش با عنوان "این صادق الوداد" دارد. بنگرید به: برگ ۳۴۷ در نسخه
۶. از برگ ۳۹۲ تا پایان نسخه
۷. برای نمونه: برگ های ۲۵۵، ۳۳۱، ۳۹۶، ۴۴۴ و جاهای دیگر.
۸. احتمال جابه‌جایی و تغییر کلمات به خاطر جابه‌جایی نقطه‌ها.
۹. بنگرید به: برگ ۱۳، ۱۴، ۳۶، ۱۴۴، ۱۵۰، ۲۰۱ و جاهای دیگر.

۱۰. در بخش انتهایی این نسخه، و از برگ ۳۹۲ به بعد، مکتوباتی در معرفی مشاغل و اصناف و حرف، و نیز نمونه‌هایی چند از تهنیت‌نامه‌ها و تعزیت‌نامه‌ها در موضوعات مختلف آورده شده است.
۱۱. برای آگاهی بیشتر در مورد جوانب کلی این بحث و مکاتبه مهم بنگرید به (امیرخانی ۱۳۹۰، ۴۴)
۱۲. در این نسخه در ۴ نامه از شاه طهماسب، ۷ نامه از شاه‌عباس و ۱۱ نامه متفرقه دیگر از عهد صفوی خطاب به مخاطبان عثمانی، اشعار حماسی شعرای ایرانی آمده است.
۱۳. برای آگاهی بیشتر در مورد این منصب و کارکرد آن بنگرید به: (خسرویگی و بکائیان ۱۳۹۴، ۶۱)
۱۴. برای نمونه و جهت درک معنای «دولت» در اسناد سلجوقی، در همین نامه میخوانیم: «بدین سعادت و دولت که ایشان را دست داد، سجده شکر ربانی بیارند...» مشخصاً دولت در این جا به معنای کامروایی به کار رفته است. (برگ ۱۲۹)
۱۵. برگ‌های ۳۱۳، ۳۵۱، ۳۸۵، ۳۸۸، ۳۹۰ در نسخه و جاهای دیگر.
۱۶. برای نمونه نگاه کنید به مکتوبی با عنوان "منشور نواب گیتی ستان به سلطان مراد عثمانی" که از سوی شاه‌عباس است، (برگ ۴۴) و یا نامه‌ای با عنوان "سواد منشور شاه طهماسب در جواب محمد همایون شاه" (برگ ۱۰۹) و از این دست.
۱۷. به ترتیب، در سندهای شماره: ۶۵، ۶۸، ۸۸، ۱۰۹، ۱۱۱، ۱۱۵ و موارد دیگر.
۱۸. همچون حبیب السیر و عالم‌آرای شاه اسماعیل و عالم‌آرای شاه طهماسب و ...

## کتاب‌نامه

- اشرف، احمد (۱۳۹۵). *هویت ایرانی از دوران باستان تا پایان پهلوی*، ترجمه دکتر حمید احمدی. تهران: نشر نی.
- افکاری، فریبا (۱۳۸۶). «منابع کهن نسخه‌پردازی» (دانشنامه‌ی فارسی)، مؤلف ناشناخته، نامه بهارستان، شماره ۱۱ و ۱۲.
- اکبری، امیر (۱۳۸۸). «مقایسه حدود قلمرو سلجوقیان با ساسانیان و تشابه ساختار نظامی آن‌ها»، فصلنامه تاریخ، پیاپی ۱۲.
- امیرخانی، غلامرضا (۱۳۹۰) «مکاتبات سیاسی و داعیه‌های مذهبی: بررسی نقش مذهب در روابط ایران و ماورالنهر در قرن ده و یازده قمری» گنجینه اسناد، دوره ۲۱، شماره ۲

نقد و تحلیل ساختاری نسخه خطی ... (رضا شاه ملکی و دیگران) ۱۸۹

برگشتراسر، گوتهلف و عبدالسلام هارون (۱۳۷۰) روش تحقیق انتقادی متون، ترجمه جمال‌الدین شیرازیان، تهران: لک لک

بهاالدین بغدادی، محمد بن مؤید. (۱۳۸۵). *التوسل الی التوسل*: به تصحیح احمد بهمنیار. تهران: اساطیر.

بهرام نژاد، محسن (۱۳۸۶) «منشآت میر محمد حسین نفرشی: کند و کاوی در زندگانی فرهنگی و دیوانی او»، آینه میراث، سال ششم، شماره چهارم.

ترکمان (منشی)، اسکندر بیگ (۱۳۸۱). *تاریخ عالم آرای عباسی*، تهران: امیرکبیر.

تکمیل همایون، ناصر (۱۳۷۹) گستره فرهنگی و مرزهای تاریخی ایران زمین، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

ثروت، منصور (۱۳۷۹). روش تصحیح انتقادی متون، چاپ اول، تهران: پایا.

جهانشاهی افشار، علی و خدیجه رحیمی صادق (۱۳۹۳). «عناصر هویت ایرانی در دیوان امیرعلیشیرنوبی»، مجله مطالعات ایرانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال سیزدهم، شماره ۲۵، ص ۱۴.

خسرویگی، هوشنگ و هادی بکائیان (۱۳۹۴). «منصب قاضی در ایالات عصر سلجوقی»، پژوهشنامه مطالعات تاریخ فرهنگی (انجمن ایرانی تاریخ) سال ششم، شماره ۲۴.

خسرویگی، هوشنگ، (۱۳۹۵) «بازتعریف مفهوم مرزهای ایران، مبنی بر آثار ناصر تکمیل همایون»، در: همایون‌نامه؛ نکوداشت کارنامه علمی دکتر ناصر تکمیل همایون، جلد اول، تهران: نگارستان اندیشه.

دانش پژوه، محمدتقی (۱۳۵۰). یک پرده از زندگی شاه طهماسب، جستارهای ادبی، شماره ۲۸، ۶۳. دانش پژوه، محمدتقی (۱۳۵۱). «آیین شاه طهماسب»، بررسی‌های تاریخی، شماره ۱، سال هفتم. درایتی، مصطفی (۱۳۹۰). *فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنیخا)*، جلد ۳۲، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی.

سرافرازی، عباس و سارا سرحدی (۱۳۹۲) «صفویه و احیاء سنت‌های ملی و باستانی»، پژوهش در تاریخ، شماره ۴.

سیوری، راجرز (۱۳۸۰)، *در باب صفویان*، تهران: نشر مرکز.

صفت گل، منصور (۱۳۸۵). مقدمه بر: *دستورالملوک*، محمد رفیع بن حسن (میرزا رفیعا) به کوشش اسماعیل مارچینکوفسکی، ترجمه علی کردآبادی، تهران: مرکز اسناد وزارت امور خارجه.

عارفی، هادی (۱۳۹۴). «بررسی جایگاه منشآت و منشآت‌نویسی در ایران تا پایان قرن هشتم هجری»، فصلنامه‌ی تاریخ نو، شماره ۱۲.

۱۹۰ پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال ۲۲، شماره ۲، اردیبهشت ۱۴۰۱

- غفاری فرد، عباسقلی و نوایی، عبدالحسین (۱۳۸۱). تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوران صفویه، تهران: انتشارات سمت.
- فراهانی، رقیه (۱۳۸۸)، «اسماعیل نامه؛ شعر و تاریخ»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۱۴۲.
- فروهر، نصرت الله (۱۳۷۹۸) «روش تصحیح نسخه های خطی»، کیهان فرهنگی، سال هفدهم، شماره ۱۶۵.
- قاسمی حسینی گنابادی، محمد قاسم (۱۳۸۷) شاه اسماعیل نامه، به تصحیح جعفر شجاع کیهانی، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- کریستن سن، آرتور (۱۳۳۸) ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، تهران: دنیای کتاب.
- گلچین معانی، احمد (۱۳۸۰) شهر آشوب در شعر فارسی، چاپ اول، تهران: روایت
- مایل هروی، نجیب (۱۳۷۹) تاریخ نسخه پردازی و تصحیح انتقادی نسخه های خطی، تهران: مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- مجرد، مجتبی (۱۳۹۶). سنت تصحیح متن در ایران پس از اسلام، تهران: هرمس.
- مستوفی بافقی، محمد مفید (۱۳۹۰) مختصر مفید (جغرافیای ایران زمین در عصر صفوی)، به کوشش ایرج افشار، تهران: بنیاد موقوفات افشار.
- منشآت سلیمانی، به کتابت دبیران دبیرخانه شاه سلیمان صفوی (۱۳۸۸) به کوشش رسول جعفریان، تهران: مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- ناظم تبریزی، محمد صادق (۱۳۸۸). نظم گزیده، مقدمه و تصحیح: آذرمیدخت صفوی، هندوستان: انتشارات دی-آر-ایس.
- ناظم تبریزی، محمد صادق، منشآت صادقای تبریزی (نسخه خطی)، کتابخانه دانشکده ادبیات و علوم انسانی: دانشگاه تهران، ب-۲۱
- نصرآبادی، محمد طاهر (۱۳۷۸). تذکره نصرآبادی، به کوشش احمد مدقق یزدی، یزد: دانشگاه یزد.
- نیولی، گرادو (۱۳۸۷). آرمان ایران (ایده ایران)، جستاری در خاستگاه نام ایران، ترجمه سید منصور سید سجادی، تهران: موسسه فرهنگی هنری پیشین پژوه.
- نیومن، اندرو جی (۱۳۹۳). ایران صفوی: نوزایی امپراتوری ایران، ترجمه عیسی عبدی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه.

Akbari, A. (2009). Comparison of the borders of the Seljuk territory with the Sassanids and the similarity of their military structure. *Quarterly of History*, 12.



- Amirkhani, Gh. (2011). Political correspondence and religious claims: A study of the role of religion in Iran-Transoxiana relations in the tenth and eleventh lunar centuries. *Iranian National Archive*, 21 (2).
- Arefi, H. (2015). A study of the status of Monshaat and manuscript writing in Iran until the end of the eighth century AH. *Quarterly of new history*, 12.
- Ashraf, A. (2016). *Iranian identity from antiquity to the end of Pahlavi*. Translated by Dr. Hamid Ahmadi. Tehran: Ney Publishing.
- Baghdadi, B., Benmoayyed, M. (2006). *Altawasul Ely Altarasul*. Corrected by Ahmad Bahmanyar. Tehran: Asatir Publishing.
- Behnamnejad, M. (2007). Monshaat of Mir Mohammadhosein Tafreshi: Exploration in his cultural and divan life, *Mirror of Heritage*, 6(4).
- Bergstrasser, G., Abdusslama, H. (1991). *Critical research method of texts*. Translated by Jamaluddin Shirazian, Tehran: Lak Lak.
- Christiansen, A. (1987). *Iran during the Sassanids*, translated by Rashid Yasemi. Tehran: Donya-ye-Ketab.
- Daneshpajouh, M.T. (1971). A curtain from the life of Shah Tahmasb. *Literary Essays*, 26(63).
- Daneshpajouh, M.T. (1972). Religion of Shah Tahmasb, *Historical Studies*, 1(7).
- Derayati, M. (2011). *Indexes of Iranian Manuscripts (FANKHA)*, Tehran: National Archives and Library Organization, 32.
- Farahani, R. (2009). Ismail Nameh; Poetry and History. *Book of the Month of History and Geography*, No. 142.
- Forouhar, N.A. (2000). Method of correcting manuscripts. *Kayhan Farhangi*, 17(165).
- Fragner, Bert. G. (1989). *Historische Wurzeln neuzeitlicher iranischer Identität: zur Geschichte des politischen Begriffs "Iran" im späten Mittelalter und in der frühen Neuzeit*.
- Ghaffarifard, A.G., Navaei, A.H. (2002). *Political, Social, Economic and Cultural Developments in Iran during the Safavid Era*, Tehran: SAMT Publications.
- Ghasemi Hoseini Gonabadi, M.G. (2008). *Biography of Shah Ismail*, Corrected by Jafar Shoja Keyhani, Tehran: Academy of Persian Language and Literature.
- Golchin Maani, A. (2001). *Shahr-e-Ashob in Persian Poetry*, First Edition, Tehran: Ravayat.
- Jahanshahi Afshar, A., Rahimi Sadegh, Kh. (2014). Elements of Iranian Identity in the Divan of Amir Alishir Navai. *Journal of Iranian Studies*, 13(25), 93-118. DOI: 10.22103/jis.2014.950.
- Khosrobeigi, H. (2016). *Redefining the concept of Iran's borders, based on the works of Nasser Takmil Homayoun*, in: Homayoun-Nameh; Appreciation of Dr. Nasser Takmil Homayoun's Scientific Record, Volume One, Tehran: Negarestan-e-Andisheh.
- Khosrobeigi, H., Bokaeian, H. (2015). The position of judge in the states of the Seljuk era. *Cultural History Studies (Pejuhesh Nameh Anjoman-e Iraniye Tarikh)*, 6(24).

- Mayel Heravi, N. (2000). *History of Manuscripts and Critical Correction of Manuscripts*, Tehran: Islamic Consultative Assembly Documentation Center.
- Mojarrad, M. (2017). *The tradition of text correction in post-Islamic period of Iran*. Tehran: Hermes.
- Mostofi Bafghi, M.M. (2011). *Summary and Helpful (Geography of Iran in the Safavid Era)*, by Iraj Afshar, Tehran: Afshar Endowment Foundation.
- Nasrabadi, M.T. (2009). *Tazkereh Nasrabadi*, by Ahmad Modaqiq Yazdi, Yazd: Yazd University Press.
- Nazim Tabrizi, M.S. (2009). *Selected Principles, Introduction and Correction: Azarmidakht Safavi*, India: DR-IS Publications.
- Nazim Tabrizi, M.S. *Monshaat of Sadegha-ye-Tabrizi (Manuscript)*, Library of the Faculty of Literature and Humanities: University of Tehran, B-21.
- Newli, G. (2008). *Ideal Iran (Idea of Iran)*, a research on the origin of the name Iran, translated by Seyed Mansour Seyed Sajjadi, Tehran: Pishin Pajooch Cultural and Artistic Institute.
- Newman, A. (2004). *Safavid Iran: The Renaissance of the Persian Empire*, translated by Issa Abdi, Tehran: Parseh Book Translation and Publishing Company.
- Sarafrazi, A., Sarhaddi, S. (2013). Safavid and Revival of Ancient and National Traditions. *Research in History*, 4(4), 125-139.
- Sefatgol, M. (2006). *An introduction on Dastur al-Muluk, Mohammad Rafi bin Hassan (Mirza Rafia) by Ismail Marchinkovski*. Translated by Ali Kordabadi, Tehran: Documentation Center of the Ministry of Foreign Affairs.
- Servat, M. (2000). *Method of Critical Correction of Texts*. Tehran: Paya, First Edition.
- Savory, R. (2001). *On Safavids*. Tehran: Markaz Publishing.
- Soleimani Monshaat*, Written by Secretaries of the Secretariat of King Soleiman Safavid. (2009) by Rasoul Jafarian, Tehran: Islamic Consultative Assembly Documentation Center.
- Takmil Homayoun, N. (2000) *Cultural Domain and historical boundaries of Iran Zamin*. Tehran: academic center for education, culture and research
- Torkaman (Monshi), E.B., (2002). *Universal history of Abbasid*. Tehran: Amirkabir.